

اراده‌ای فوق اراده آن وجود نداشته باشد... در عین حال در هیچ کشور به معنای سیاسی توسعه یافته، اختیارات مطلق حکومت، معنای خروج از قوانین اساسی و یا قانونمند نبودن روال امور تلقی نشده است. هیچکس برهانی بر اینکه همه این اختیارات لزوماً باید در اختیار یک نفر باشد، اقامه نکرده است. رابعاً امام راحل که خود واضع چنین اصطلاح و نظریه‌ای بودند، هیچگاه در صدد آن بر نیامدند که همه اختیارات حکومتی را به خود اختصاص دهند، بلکه برعکس اصرار فراوانی داشتند که مجاری حقوقی، ثابت و قانونمند برای اعمال اختیارات حکومت اسلامی در نظر گرفته شود. [بنابراین]... ولایت مطلقه فقیه به معنای حکومت مطلقه فردی نیست.<sup>۱</sup>

این نشریه در جای دیگر در استدلال دیدگاه خود مبنی بر محدود بودن اختیارات ولی فقیه به آنچه در قانون اساسی آمده، نوشته است: «با استناد به اصل ۱۷۷ قانون اساسی... رهبری نمی‌تواند اصول، اهداف و ارزشهای اسلام را نفی کند. زیرا که فقه و فقهات و ولایت فقیه فرع بر پذیرش آنها است. حفظ استقلال و تمامیت ارضی، مقید اختیارات رهبری است. رهبری نمی‌تواند مثلاً واحد ملی ایران را منحل کند یا کل و یا بخش‌هایی از آنرا تابع حاکمیت کشور دیگری درآورد.

نمی‌توان با تمسک به مطلقیت اختیارات رهبری، جمهوریت نظام را تعطیل کرد. اصل ۱۰۰ قانون اساسی در مقام استقصای وظایف و اختیارات رهبری برآمده و آنرا در یازده مورد مقصور کرده است... معنای ندارد مقننی که قائل به اختیارات مطلقه برای کسی است، یکبار هم بیاید و به احصاء اختیارات وی پردازد. اصل ۱۷۷ صراحت دارد که «مصوبات شورای بازنگری قانون

اساسی پس از تأیید و امضای مقام رهبری باید از طریق مراجعه به آراء عمومی به تصویب اکثریت مطلق شرکت‌کنندگان در همه پرسشی برسد. «معنای این امر آن است که امضای مقام رهبری به تنهایی نمی‌تواند موجب نفاذ قانونی شود و این امضا تا به صحنه آرای عمومی نرسد، وجاهت قانونی نخواهد داشت. اصل پنجاه و هفتم که اشاره به اطلاق ولایت دارد مشروط بودن آنرا به چهارچوب تنظیمات و ترتیبات قانون نشان می‌دهد. در این اصل می‌خوانیم «قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضاییه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند این قوا مستقل از یکدیگرند.» مشاهده می‌شود که سه گانه بودن قوا و استقلال و تفکیک آنها از یکدیگر مجاری تعریف شده اعمال ولایت... هستند و اطلاق ولایت نمی‌تواند در تعداد قوای مذکور دخل و تصرفی کرده و یا بجای تفکیک قوا مثلاً به ادغام قوا در یکدیگر حکم کند. مهمتر از اینها منطوق اصل پنجاه و ششم است که می‌گوید: «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ‌کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند و یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق خداداد را از طرقی که در اصول بعد می‌آید، اعمال می‌کند.»

ملاحظه می‌شود که حق تعیین سرنوشت در این اصل برای کلیه شهروندان به رسمیت شناخته شده است و آنان این حق را از طرقی که در اصول قانون اساسی... می‌آید اعمال می‌کنند. لذا هر نوع ترتیبی که اصل این حق و تجلیات آن را خدشه‌دار نماید مفسد و مبطل عقدی است که میان جامعه و دولت بسته می‌شود. بنابر ملاحظات فوق آنچه حیطة اختیارات حکومت [و] رهبری را در نظام جمهوری اسلامی به لحاظ محتوایی مشروط می‌کند، مصلحت نظام

است، که بنا به تعریف مقید به زمان و مکان و منبعث از اراده ملت است. همچنین از نظر حقوقی و شکلی اصول قانون اساسی چارچوبی برای اعمال این اختیارات مقرر می‌دارد.<sup>۱</sup>

محمد سلامتی دبیر کل سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران نیز در مصاحبه‌ای بر مقید بودن اختیارات ولی فقیه تأکید کرده، می‌گوید: «اساساً قرار نیست در جامعه ما ولی فقیه به جای همه فکر کند و در زمینه‌های مختلف راه‌حل ارائه کند. لازمه چنین اعتقادی آن است که نهادهای قانونی (دولتی و غیردولتی) هیچگاه فعال نشوند، زیرا در صورت فعال شدن عرصه را بر روی فقیه تنگ می‌کنند.»<sup>۲</sup>

این جناح معتقد است ولی فقیه در عصر غیبت باید منتخب مردم باشد. نشریه عصر ما در این مورد می‌نویسد: «طیف چپ به ولایت فقیه انتخابی معتقد است و مبنای حکومت اسلامی را رأی و انتخاب مردم می‌داند. براساس این نظر در عصر غیبت دست خدا از آستین مردم بیرون می‌آید.»<sup>۳</sup>

اسدالله بیات عضو شورای مرکزی مجمع روحانیون مبارز نیز گفته است: «وقتی اعمال ولایت فقیه عادل، مشروع خواهد بود که مردم ولایت وی را پذیرفته باشند.»<sup>۴</sup>

نشریه عصر ما نیز در مقاله‌ای بر انتخابی بودن ولی فقیه توسط مردم تأکید کرده، می‌نویسد: «مطابق با دو اصل ۵۶ و ۵۷ قانون اساسی فقها به عنوان نواب عام امام عصر (عج) رهبری امت را بر عهده می‌گیرند. در این صورت اگر

۱. دو هفته‌نامه عصر ما، شماره ۶۲، ۷۴/۱۱/۳، صص ۴ و ۷

۲. همان، شماره ۱، ۷۳/۷/۲۷، ص ۳

۳. همان، شماره ۱۳، ۷۴/۱/۳۰، ص ۲

۴. روزنامه همشهری، ۷۵/۱۰/۹

خبرگان امت به نحو اجماع (یا اکثریت) فردی را به این منصب گماشتند، ولایت و امانت معصوم را به وی سپرده‌اند... نقش مردم آن است که در بین خبرگان متعدد دست به انتخاب می‌زنند و ولی فقیه را طی یک انتخابات دو درجه‌ای، انتخاب می‌کنند. به این ترتیب مشروعیت سیاسی نیز حاصل شد [است]... مشروعیت سیاسی و اطاعت رضایتمندانه مدخلیتی تام در حقانیت نظام جمهوری اسلامی دارد و نمی‌توان با ادعای نیابت از جانب امام معصوم (ع) بدون آنکه رضایت مردم جلب شده باشد، اقدام به تأسیس حکومت نمود.<sup>۱</sup>

این جناح معتقد است جمهوری اسلامی از سه رکن جمهوریت، اسلامیت و ایرانیت تشکیل شده است و این سه اصل باید حفظ شود. نشریه عصرما در این باره می‌نویسد: «جمهوری اسلامی ایران از سه رکن جمهوریت، اسلامیت و ایرانیت تشکیل شده [است]... ما تمام تلاش خود را در راه حفظ این اصول بکار می‌بندیم و معتقدیم عدم توجه به هریک از این سه اصل و سست شدن هریک از این سه رکن، نظام دیگری را جز آنچه که مردم مسلمان ایران در جریان انقلاب توفنده خود فریاد کرده‌اند، به آنها تحمیل خواهد کرد.»<sup>۲</sup>

جناح روحانیون مبارز و گروه‌های نزدیک به آن بر جمهوریت و اسلامیت نظام تأکید می‌کنند. نشریه عصرما در تشریح این دو اصل می‌نویسد: «اسلامیت نظام... ناشی از جمهوریت آن است. بدین معنی که مردم سرنوشت اجتماعی خویش را چنین رقم زده‌اند و برای اداره امور و شئون مختلف جامعه، نظامات اسلامی برگزیده‌اند... نظام جمهوری اسلامی، جمهوری است چون مشارکت

۱. دو هفته‌نامه عصرما، شماره ۶۴، ۷۵/۱۲/۱

۲. دو هفته‌نامه، شماره ۴، ۷۳/۹/۹

مردم در تعیین سرنوشت خویش در قانون اساسی به رسمیت شناخته شده است. و اسلامی است زیرا تجلی اراده مردم مسلمانی است که خواسته‌اند ارزشها، آرمانها و قواعد اسلامی را در روابط میان خویش حاکم سازند.<sup>۱</sup> روزنامه سلام که از لحاظ مواضع به مجمع روحانیون مبارز نزدیک است، دوری از رأی مردم را به منزله «فاصله گرفتن از اصل اسلام» توصیف کرد: این روزنامه در ادامه می‌نویسد: «اگر روزی به بهانه تضمین اسلامیت نظام موجباتی فراهم شود تا «رأی مردم» در تعیین امور مخدوش شود و بهای لازم را در عرف و فرهنگ سیاسی کشور از دست بدهد قطعاً باید این پدیده را به معنای فاصله گرفتن از اصل اسلام تفسیر کرد.»<sup>۲</sup>

عباس عبدی از دست‌اندرکاران روزنامه سلام نیز بر ملاک بودن رأی مردم در اداره جامعه تأکید کرده می‌گوید: «حتی اگر مردم رأی برخلاف مصلحت جامعه دهند، تغییر دادن آن رأی از راه حيله و تقلب، دردی را دوا نمی‌کند. این که خداوند می‌فرماید: سرنوشت هیچ قومی را خدا تغییر نمی‌دهد، مگر آن که آنها خودشان را تغییر دهند، ناشی از این واقعیت است که با دستکاری در رأی مردم (ولو آن رأی خلاف مصلحت جامعه باشد) نمی‌توان جامعه را اصلاح کرد. مردم باید خودشان مسوولیت کار خویش را بر عهده بگیرند.»<sup>۳</sup>

هاشم آغاچری از اعضای شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت بر رابطه دوسویه میان حکومت و مردم تأکید کرده، می‌گوید: «رابطه حکومت و جامعه و جریان حقوق در نظام سیاسی یک جریان دوسویه و دوطرفه است. اگر

۱. همان، شماره ۱۲، ۱۶/۱/۷۴، ص ۱

۲. روزنامه سلام، ۷/۱۱/۷۵

۳. همان، ۱۷/۱/۷۶، ص ۹

جریان حق یک جریان یک سویه باشد و یک طرف حق و طرف دیگر سرتاسر تکلیف قلمداد شود، این جز برای ذات مقدس الهی نیست.<sup>۱</sup> دفتر تحکیم وحدت نیز در بیانیه‌ای جمهوری‌نظام را مورد تأکید قرار داد. در این بیانیه «نسبت به نفوذ یک جریان سیاسی و تفکر قشری که در صدد مخدوش کردن اصل آزادی و جمهوری‌نظام است» هشدار داده شده است.<sup>۲</sup>

همچنین سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران در مرامنامه خود با تأکید بر نقش مردم در حکومت اسلامی چنین آورده است: «در زمان غیبت ولی عصر (عج) امر حکومت به جامعه اسلامی واگذار شده است. در واقع قدرت حکومت اسلامی در زمان غیبت از جامعه سرچشمه می‌گیرد.»<sup>۳</sup> نشریه عصر ما ارگان سازمان نیز در این باره می‌نویسد: «اگر نظام جمهوری نباشد، اسلامی هم نخواهد ماند و هر تلاشی برای حذف جمهوری‌نظام... اقدامی ارتجاعی و ضدانقلابی است.»<sup>۴</sup> به اعتقاد این جناح، شورا، انتخابات و پارلمان از جمله ابزار حکومت اسلامی در عصر غیبت خواهد بود. نشریه عصر ما در این زمینه می‌نویسد: «در زمان غیبت، حق حاکمیت و تعیین سرنوشت خویش به مردم واگذاشته شده است تا از طریق بیعت با اشکال مختلف آن نظیر شورا، انتخابات، پارلمان و... فردی یا گروهی را برای امر حکومت برگزینند. این انتخاب لزوماً در چهارچوب ملاک‌هایی است که اسلام به عنوان دینی اجتماعی و دارای حکومت برای حاکم و حکومت اسلامی تعیین کرده

۱. هفته‌نامه مبین، شماره ۲۶۴، ۱۵/۱۰/۷۵، ص ۳

۲. بیانیه شماره ۲، دفتر تحکیم وحدت

۳. اساسنامه و مرامنامه سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران، ص ۹

۴. دو هفته‌نامه عصر ما، شماره ۶۷، ۳/۲/۷۶، ص ۲

است.<sup>۱</sup> این جناح داشتن صلاحیت را موجبی برای حکومت کردن نمی‌داند. نشریه عصر ما در این زمینه می‌نویسد: «ما مشروعیت و مقبولیت (اسلامیت و جمهوریت) را دو پایه هم‌تراز برای جمهوری اسلامی می‌دانیم... ما حق حاکمیت جمهوری اسلامی را ناشی از رأی مردم و صلاحیت‌ها را صرفاً موجد تکلیف فردی می‌دانیم. به این معنی که هیچ جماعتی به صرف داشتن صلاحیت تا پذیرفته نشدن از سوی ملت، حق حاکمیت بر جامعه را نخواهد داشت.»<sup>۲</sup> جناح فوق بر مسؤولیت مقام‌های حکومت اسلامی در مقابل مردم تأکید می‌کند. در این راستا نشریه عصر ما چنین می‌نویسد: «ما... جمهوری اسلامی را شرکتی سهامی با اساسنامه اسلامی می‌دانیم که در آن هر یک از آحاد جامعه صرف نظر از میزان سرمایه‌های مادی و معنوی خود یک سهم مساوی با دیگران داشته و به همان اندازه اجازه دخالت در تعیین سرنوشت خود را دارد و به همین جهت مدیران چنین شرکتی علاوه بر داشتن مسؤولیت الهی، در قبال سهامداران نیز مسؤولند.»<sup>۳</sup>

جناح مجمع روحانیون مبارز و... ساخت سیاسی حکومت اسلامی را محدود به هیچ شکل خاصی ندانسته و آن را همراه با مقتضیات زمان قابل تغییر می‌داند. نشریه عصر ما در تبیین دیدگاه‌های این جناح می‌نویسد: «ساخت سیاسی حکومت اسلامی محدود به شکل خاصی نیست و متناسب با مقتضیات زمان و جامعه قابل تغییر است... اختیارات و وظایف حاکم و حکومت اسلامی از نوع اختیارات و وظایفی است که یک حکومت از آن جهت که حکومت است برای اداره امور جامعه باید از آن برخوردار باشد... به نوعی مردم

۱. همان، شماره ۱۳، ۷۴/۱/۳۰، ص ۲

۲. همان، شماره ۱۹، ۷۴/۴/۲۱، ص ۴

۳. همان

سالاری در چارچوب اهداف و معیارهای تعریف شده دینی باور دارد و مردم را واسطه فیض مشروعیت و حق حاکمیت می‌داند.<sup>۱</sup>

## ۲- احزاب

مجمع روحانیون مبارز و گروه‌های نزدیک به آن بر ضرورت فعالیت احزاب سیاسی تأکید می‌کنند. نشریه عصر ما در تبیین دیدگاه‌های سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران می‌نویسد: «در عصر حاضر که اصل بر مشارکت مردم است، وجود احزاب سیاسی نه تنها طبیعی بوده بلکه ضروری به شمار می‌رود و فقدان آن در هر کشوری تعجب‌آور و سؤال برانگیز است.»<sup>۲</sup> این نشریه معتقد است فعالیت احزاب از استقرار نظام خودکامه در کشور جلوگیری می‌کند. «افزایش فعالیت حزبی و سازمانی موجب گسترش و اعتلای آگاهیها و حساسیت‌های مردم می‌شود. در جامعه‌ای آگاه و رشید که آزادی سیاسی و فعالیت حزبی را در اشکال سالم و منطقی آن تجربه کرده است، کمتر امکان رشد چهره‌های فرصت‌طلب، عوام‌فریب و وابسته هست و احتمال تحقق توطئه‌ها و دسیسه‌های پیدا و پنهان به حداقل خود رسیده، زمینه‌ای برای استقرار دیکتاتوری وجود نخواهد داشت.»<sup>۳</sup>

مهدی کروبی دبیر مجمع روحانیون مبارز از به وجود آمدن احزاب سیاسی در کشور حمایت کرده، می‌گوید: «به وجود آمدن احزاب سیاسی در حیات سیاسی کشور موجب تقویت هرچه بیشتر مجلس، جدی شدن انتخابات، بیمه شدن نظام و به وجود آمدن شور و نشاط در میان مردم می‌شود. احزاب

۱. دو هفته‌نامه عصر ما، شماره ۱۳، ۷۶/۱/۳۰، ص ۲

۲. همان، شماره ۱، ۷۳/۷/۲۷، ص ۳

۳. همان، شماره ۲۳، ۷۶/۶/۱۵، ص ۴



قوی به عنوان سیستم نظارتی مانعی مهم در برابر بروز تخلفات به حساب آمده و موجب بوجود آمدن رقابت‌های سالم خواهند شد.<sup>۱</sup> او نظر خود را چنین ادامه می‌دهد: «نظام ما یک نظام پارلمانی است و با آرای مردم شکل می‌گیرد. در قانون اساسی نیز صراحتاً مسئله احزاب لحاظ شده است و ما طرفدار احزاب با کارکردهای واقعی‌شان هستیم.»<sup>۲</sup>

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران انعکاس اعتراضات گروهی و کانالیزه کردن خواسته‌های عمومی را از جمله کارکردهای احزاب عنوان می‌کند و معتقد است: «یکی از عمده‌ترین کارکردهای احزاب و مطبوعات منتقد، کانالیزه کردن خواسته‌های عمومی و انعکاس منافع و اعتراضات گروه‌های مختلف اجتماعی در نهادهای تصمیم‌گیری مانند دولت و مجلس از طرق مسالمت‌آمیز نظیر اجتماعات و میتینگ و... است.»<sup>۳</sup>

### ۳- آزادی

این جناح آزادی بیان را برای افرادی که نظام را پذیرفته‌اند، قابل قبول می‌داند. نشریه عصر ما در این باره می‌نویسد: «از نظر ما... ثبات سیاسی، بقا و افزایش مشروعیت نظام و در نتیجه حفظ استقلال کشور در گروه پذیرش حق انتقاد و آزادی بیان برای تمام کسانی است که اصل نظام و حاکمیت قانون را پذیرفته‌اند.»<sup>۴</sup> «آزادی فعالیت‌های سیاسی (از هر نوع) در چهارچوب قانون اساسی مهمترین تضمین‌کننده حقوق بشر و آزادی‌های اساسی است.»<sup>۵</sup>

۱. هفته‌نامه صبح، شماره ۳۶، ۲۸/۹/۷۴

۲. روزنامه سلام، ۱/۱۲/۷۵

۳. دو هفته‌نامه عصر ما، شماره ۱۳، ۳۰/۱/۷۴، ص ۷

۴. همان، شماره ۲، ۱۱/۸/۷۳، ص ۱۰

۵. همان، شماره ۱۱، ۱۷/۱۲/۷۳، ص ۶

این جناح آزادی بیان را «حق الهی و طبیعی» مردم و نه «یک امتیاز» می‌داند. عصر ما می‌نویسد: «قانون اساسی آزادی بیان را حق همه افراد جامعه می‌داند و نه امتیازی که به فرد یا افراد خاصی از طرف دولت واگذار می‌شود... آزادی بیان حق الهی و طبیعی افراد است و با هیچ قانون دیگری نمی‌توان آنرا به یک امتیاز تبدیل کرد.»<sup>۱</sup> همچنین بر حفظ حقوق مخالفان تأکید می‌کند. نشریه عصر ما پیرامون این مطلب می‌نویسد: «آزادگی حکم می‌کند که حتی نسبت به حفظ حقوق مخالفان نیز همچون آزادی و حقوق خویش حساس باشیم و هر حرکت مخالف قانون یا رویه‌های قانونی را در این زمینه منحکوم کنیم.»<sup>۲</sup>

این نشریه همچنین تأکید می‌کند که اسلام با دموکراسی تعارض و تضادی ندارد. «مکتبی که در منشور و تعالی خود اصل آزادی را پذیرفته است، می‌تواند از دموکراسی به عنوان یک روش بهره‌مند شود. از این رو می‌توان به این باور رسید که اندیشه اسلامی با دموکراسی بمثابه موفق‌ترین روش در اداره امور جامعه تعارض و تضادی ندارد.»<sup>۳</sup> و در ادامه بر آزادی حق انتقاد و نظارت نسبت به مقام‌های نظام جمهوری اسلامی تأکید کرده، می‌نویسد: «آزادی به معنای فقدان مانع در جهت استفاده از حق است. آنجا که این موانع نباشد آزادی هست و به میزان تعدد و تنوع موانع، آزادی محدود می‌شود... آزادی... زمانی در یک جامعه محقق می‌شود که امکان انتقاد از اصلی‌ترین سیاستها و نسبت به بالاترین سطوح سیاستگذاری و اجراء وجود داشته باشد... به اعتقاد ما آزادی و حق انتقاد و نظارت نسبت به عالی‌ترین سطوح

۱. همان، شماره ۱۸، ۷/۴/۷۴، ص ۶

۲. همان، شماره ۲۲، ۱/۶/۷۴، ص ۸

۳. همان، شماره ۲۳، ۱۵/۶/۷۴، ص ۳

تصمیم‌گیری نه تنها به تضعیف نظام نمی‌انجامد بلکه اساساً اقتدار و ثبات نظام در گرو چنین امری است... شاخص آزادی نهادینه در یک جامعه، میزان آزادی اقلیت در استفاده از حق و امکان نظارت نسبت به عملکرد مجریان امور است.<sup>۱</sup> دفتر تحکیم وحدت نیز در بیانیه‌ای «آزادی را موهبتی الهی» توصیف کرد.<sup>۲</sup>

از دیدگاه این جناح، آزادی ریشه در تعالیم اسلام دارد. در این مورد عصر ما می‌نویسد: «آزادی با جوهر فکر دینی بیگانه نیست... و بسیاری از حقوقی که در جهان امروز برای انسان به عنوان حقوق پایه به رسمیت شناخته شده، مورد تأیید اسلام نیز هست... در عرصه سیاست و اجتماع امر به معروف و نهی از منکر به معنای دعوت به امور عقلاً و یا شرعاً متعارف و ممدوح و بازداشتن از امور عقلاً یا شرعاً غیر متعارف و مذموم به عنوان یکی از فروع دین، تکلیف اجتماعی و حق همگان شمرده شده است. در انتخاب عقیده و دین اکراه و اجباری نیست. در مجتمع اسلامی، معتقدان به مکاتب و ادیان دیگر به رسمیت شناخته شده‌اند... مقصود ما این نیست که همه آنچه را که در جهان امروز به عنوان آزادی برای انسان به رسمیت شناخته شده مورد تأیید فقه واقعاً موجود اسلامی قلمداد کنیم... مدعای ما این است که جوهر آزادی در تعالیم اسلامی وجود دارد.»<sup>۳</sup> با این حال سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران، پذیرش بی‌قید و شرط اعلامیه جهانی حقوق بشر را به صلاح نمی‌داند و معتقد است: «پذیرش در بست و بی‌قید و شرط اعلامیه جهانی حقوق بشر به صلاح ما [نیست] مناسب‌ترین شیوه، تقاضای عضویت با حفظ

۱. دو هفته‌نامه عصر ما، شماره ۱۲، ۷۴/۱/۱۶، ص ۳

۲. بیانیه دفتر تحکیم وحدت، ۷۴/۶/۱۵

۳. دو هفته‌نامه عصر ما، شماره ۲۳، ۷۴/۶/۱۵، ص ۳

حق تحفظ در قبال پاره‌ای از مواد میثاق است. هر چند معتقدیم بیش از ۹۰ درصد مواد میثاق با قوانین شرع و قانون اساسی کشورمان منافاتی ندارد.<sup>۱</sup>

در مواضع و رثوس برنامه سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران بر آزادی بیان، تشکیل اجتماعات، احزاب، انتخابات و... تأکید شده است: «سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران آزادی بیان، آزادی تشکیل اجتماعات، احزاب و سازمان‌های سیاسی، آزادی انتخابات، آزادی مطبوعات و رسانه‌های گروهی را وظیفه خویش می‌داند. سازمان مدافع آزادی همه احزاب و سازمان‌هایی است که وفاداری خود به نظام جمهوری اسلامی را اعلام کرده و قانون اساسی را پذیرفته و بدان ملتزم‌اند... همه نیروها و دیدگاهها در هر عرصه و سطحی، البته در چهارچوب قانون اساسی باید امکان عرضه خود به جامعه را داشته باشند.»<sup>۲</sup> این سازمان بر «حفظ و تعمیق آزادی» در حکومت اسلامی تأکید کرده، این موضوع را اینگونه تشریح می‌کند: «شان حکومت اسلامی حفظ و تعمیق آزادی است نه اعطای آن. لذا جامعه اسلامی باید اهرمها و تضمین‌های کافی را جهت تحقق و بقای آزادی در خور داشته باشد و افراد جامعه اسلامی می‌باید امکان شرکت فعال در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خویش را دارا باشند. همچنین روح و بنیاد آزادی باید در کلیه روابط و نهادهای فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ملحوظ گردد.»<sup>۳</sup>

نشریه عصر ما در تشریح دیدگاه این جناح می‌نویسد: «طیف چپ آزادی و دمکراسی را نه به عنوان یک ایدیولوژی که به عنوان راه و روش ضروری

۱. همان، شماره ۶، ۷/۱۰/۷۳، ص ۷

۲. دو هفته‌نامه عصر ما، شماره ۴۲، ۲۹/۱/۷۵، ص ۷

۳. برنامه سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران، ص ۱۱

برای اداره جامعه و ثبات و توسعه آن و همچنین ابزاری برای رفع تخصصات احتمالی در نظام تلقی می‌کند... این جریان فکری آزادی را یکی از شعارهای محوری و ارزشهای انقلاب اسلامی پنداشته و تفکیک بین آن و استقلال را ناممکن می‌انگارد.<sup>۱</sup> به اعتقاد این جناح «بسط حقوق و آزادی مردم به تداوم نظام کمک می‌کند.» و بطوریکه در پیش‌نویس سند مواضع سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران آمده است: «انقلاب و دولت برآمده از آن، با بسترسازی مناسب جهت بسط حقوق و آزادی‌های مردم و نیروهای سیاسی و حرکت بسوی نهادینه کردن اقتدار جامعه، توانمندی خویش را تضمین می‌کند... انقلاب اسلامی به میزانی که بتواند آزادی‌های قانونمند را گسترش داده و نهادینه سازد، می‌تواند به اقتدار خود چه در عرصه جهانی و در برابر قدرتهای سلطه‌طلب خارجی و چه در زمینه پیشبرد اهداف خود در داخل امیدوار باشد.»<sup>۲</sup>

#### ۴- مشارکت سیاسی

این جناح از نهادینه شدن مشارکت سیاسی مردم حمایت می‌کند. نشریه عصرما در این مورد می‌نویسد: «نقش مردم در پاسداری از انقلاب تنها در صورتی دوام خواهد داشت و به عمق و گسترش بالندگی خواهد رسید که در قالب نهادهای سیاسی و اجتماعی ریشه گرفته، ساختاری شود. وحدت عمیق و پایدار اجتماعی تنها در سایه تضارب افکار و رشد آگاهی برآمده از آن، امکانپذیر است.»<sup>۳</sup> این نشریه در جای دیگر می‌نویسد: «بقا و تداوم انقلاب جز

۱. دو هفته‌نامه عصرما، شماره ۱۲، ۱۶/۱/۷۴، ص ۲

۲. همان، شماره ۵۷، ۲۳/۸/۷۵، ص ۲

۳. دو هفته‌نامه عصرما، شماره ۸، ۵/۱۱/۷۳، ص ۲

با مشارکت توده‌ها میسر نخواهد بود. نهادمندی ساختارهای مشارکتی مثل نظام حزبی و پارلمانی شیوه‌های انتخابات، مکانیزم‌های تصمیم‌گیری و... تنها ضامن مطمئن و خدشه‌ناپذیر حفظ مردم در صحنه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی است.<sup>۱</sup>

این جناح مشارکت سیاسی مردم را به شرکت در انتخابات مجلس و یا راهپیمایی‌ها محدود نمی‌داند. عصر ما در این باره می‌نویسد: «صرف وجود پارلمان و انتخابات مجلس و یا شرکت مردم در راهپیمایی‌ها موجب [مشارکت مردم] نیست. بلکه این تشکیل شوراها در سطوح مختلف روستا و شهر و استان و دخالت مردم در تصمیم‌گیری‌ها از طریق نخبگان و نمایندگان منتخب آنها و نیز فراهم آمدن جو و فضای آزاد تضارب افکار است که اجماع ملی را محقق می‌سازد.»<sup>۲</sup> این جناح همچنین مشارکت مردم را «حق» می‌داند و در مقابل دیدگاه جامعه روحانیت و تشکل‌های همسو که آنرا «تکلیف» ارزیابی می‌کند، قرار دارد. «مشارکت در اداره امور کشور بیش از آنکه تکلیفی فردی باشد، حقی است اجتماعی و در عین حال مشروع. مردم زمانی به استفاده از این حق اقبال می‌کنند که اولاً نسبت به سرنوشت خود و نظام همواره احساس مسؤولیت کنند و ثانیاً حضور و مشارکت خود را مؤثر و نتیجه‌بخش ببینند.»<sup>۳</sup>

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران فعالیت‌های حزبی و ایجاد تشکل‌های سیاسی را از جمله مهم‌ترین عوامل برای ایجاد مشارکت عمومی عنوان می‌کند. «تشکیل شوراها از روستا و محله تا بالاترین سطوح ملی... و نیز فراهم آوردن زمینه‌های مساعد برای فعالیت حزبی و ایجاد تشکل‌های

۱. همان، شماره ۹، ۱۹/۱۱/۷۳، ص ۳

۲. همان، شماره ۱۵، ۲۵/۲/۷۴، ص ۱

۳. همان، شماره ۲، ۴/۵/۷۴، ص ۸

سیاسی، مهمترین عامل تشویق و ترغیب مردم برای اعمال حق خویش و نهادینه کردن فرهنگ مشارکت عمومی است.<sup>۱</sup> به اعتقاد این جناح فراهم کردن زمینه‌های مشارکت سیاسی مردم به بقای نظام نیز کمک می‌کند. از اینرو می‌بینیم در پیش‌نویس سند مواضع سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران آمده است: «هر قدر که نظام اسلامی پایگاه اجتماعی خود را از طریق مشارکت آگاهانه و آزادانه مردم و در قالب تشکلهای صنفی و سیاسی آنان ژرفا و توسعه بخشد، به همان میزان به بقای خود کمک کرده است.»<sup>۲</sup> نشریه عصر ما مشارکت سیاسی را جز از طریق نهادهای پایدار و مؤثر بی‌معنی و نامفهوم دانسته و بر مشارکت آگاهانه و دائمی مردم از طریق نهادینه شدن آن و از مجرای مجلس شورای اسلامی، احزاب، شوراها و انجمن‌های اسلامی تأکید می‌ورزد.<sup>۳</sup>

#### ۵- آرمان‌گرایی

مجمع روحانیون مبارز و... به طور کلی برای آرمان‌گرایی اولویت قائل است و آن را نسبت به عملگرایی ترجیح می‌دهد. مهدی کروبی درباره این موضوع می‌گوید: «در کنار سازندگی ما فکر می‌کنیم اولویت با حفظ آرمان‌های انقلاب است... ویژگی‌هایی مثل کفرستیزی، عدالت اجتماعی، حمایت از فقرا، ادامه جنگ فقیر و غنی، طرفداری از محرومین... [در اولویت قرار دارد.]»<sup>۴</sup> نشریه مبین نیز می‌نویسد: «حفظ ارزشها و آرمانهای انقلاب... از بارزترین اموری است که نمایندگان مجلس در جریان امور از

۱. همان

۲. همان، شماره ۵۷، ۷۵/۸/۲۳، ص ۲

۳. دو هفته‌نامه عصر ما، شماره ۱۲، ۷۴/۱/۱۶، ص ۲

۴. همان، شماره ۶۶، ۷۶/۱/۲۳، ص ۱۳

مباحثات و نطقها گرفته تا لوایح و طرحهایی که تهیه و تصویب می‌نمایند باید مورد ملاحظه و توجه تام قرار دهند.<sup>۱</sup>

#### ۶- صدور انقلاب

این جناح از صدور انقلاب حمایت می‌کند. سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران در پیش‌نویس سند مواضع خود این مطلب را اینگونه بیان می‌کند: «مصالح و منافع ملی... ایران اسلامی ایجاب می‌کند که با کمک به ملت‌های دربند خصوصاً ملل مسلمان در جهت نیل به استقلال و آزادی، دامنه نفوذ استکبار و امپریالیسم جهانی را محدود سازند. استقلال هر کشور و آزادی هر ملتی به مثابه شکستن یکی از حلقه‌های زنجیره سلطه جهانی است، تکاپوی ما در این سمت و سو جدای از عمل به یکی از اصول اعتقادی و ارزشی اسلامی، گسترش فضای حیاتی مستقل و آزاد و تحکیم و تضمین اصول امنیت و منافع ملی خویش را دربرخواهد داشت.»<sup>۲</sup> این سازمان در بیان رئوس برنامه‌های خود به طور صریح اعلام کرده که از مبارزات کلیه ملتها و جنبشهای اسلامی و مردمی در جهت کسب استقلال ملی، آزادی و عدالت اجتماعی حمایت می‌کند.<sup>۳</sup>

البته این جناح به ارائه الگویی نمونه از ایران به مردم جهان نیز توجه دارد و آن را عاملی برای «گسترش اندیشه انقلاب اسلامی» می‌داند. در این زمینه در پیش‌نویس سند مواضع سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران آمده است: «معرفی چهره‌ای روشن و ارائه الگویی نمونه از ایران انقلابی و اسلامی به

۱. هفته‌نامه مبین، شماره ۲۳۱، ۱۳/۳/۷۵، ص ۱

۲. دو هفته‌نامه عصرما، شماره ۲۶، ۲۶/۷/۷۴، ص ۶

۳. همان، شماره ۳۴، ۱۱/۱۱/۷۴، ص ۲



مردم جهان موجب گسترش اندیشه انقلاب اسلامی، یافتن دوستان و طرفداران در میان ملت‌ها و دولت و بازدارندگی دشمنان از اتخاذ اقدام‌های خصمانه می‌گردد. این امر ضمن اینکه پایگاه درونی انقلاب و نظام را استحکام و تعمیق می‌بخشد، سپر امنیتی مطمئنی در افکار عمومی جهان بر گرد موجودیت و بقای ایران اسلامی می‌کشد و الهام‌بخش دستاوردهای مترقی، عدالت‌آفرین و آزادی‌بخش در درون مرزهای ملی به سراسر جهان، کار را بر شیوه‌های سیاسی و نظامی دشمنان با انقلاب و نظام دشوار خواهد ساخت.<sup>۱</sup>

علی‌اکبر محتشمی از اعضای مجمع روحانیون مبارز نیز در گفتگویی از صدور انقلاب حمایت و آن را «یک اصل محکم در اسلام» دانست. وی در تشریح دلایل خود در این زمینه می‌گوید: «در قرآن آیات مختلفی هست که می‌گوید پیغمبر اکرم مبعوث بر همه مردم شده است و انقلاب و مکتبش جهان شمول است. مثلاً در آیه‌ای می‌گوید: «قل یا ایها الناس ان رسول الله علیکم جمیعاً» یعنی خطابش به ناس است و همه مردم اعم از مسلمانان و غیرمسلمان حتی کفار چه از نسل حاضر باشند و چه در نسل‌های بعد. پس اصلاً اسلام محدود به سرزمین خاصی یا نسل خاصی نیست و جهان شمول و انسان شمول است... [همچنین] هیچ کشوری امنیت کامل و صد در صد نمی‌یابد مگر اینکه یا دشمنی برای او نباشد و یا دشمن را به طور کامل و صد در صد سرکوب و تار و مار کرده یا لاقلاً شعاع وسیعی از محدوده جغرافیایی آن کشور از هر حیث پاکسازی شود و دشمن هیچ‌گونه حضوری نداشته باشد و این نمی‌شود مگر در پرتو ایجاد ریشه‌های انقلاب در شعاعی به وسعت سرزمین بزرگ

اسلام در اعماق حیطة تحت سلطه دشمن و این همان اصل صدور انقلاب و بسط محوری اسلام و انقلاب خواهد بود.<sup>۱</sup> دفتر تحکیم وحدت نیز در بیانیه‌ای خواستار «حفظ مواضع اصولی و تهاجمی و تداوم آن در سیاست خارجی» شد.<sup>۲</sup>

## ب - سیاست خارجی

### ۱- اصول سیاست خارجی

این جناح نسبت به سازمان‌های بین‌المللی نگرش بدبینانه دارد و می‌توان گفت که معتقد به «نظریه توطئه» است. از اینرو می‌بینیم نشریه عصرما در واکنش به قطعنامه «مجمع عمومی» سازمان ملل درباره نظارت بر انتخابات در کشورها، آمریکا را طراح و عامل اصلی تصویب این قطعنامه معرفی کرده، می‌نویسد: «مفهوم ساده قطعنامه، نظارت سازمان ملل متحد بر انتخابات کشورهای مختلف جهان است و چنانچه جنبه الزامی پیدا کند، نقض آشکار حاکمیت ملی کشورها به شمار خواهد آمد. آمریکا طراح و عامل اصلی تصویب قطعنامه مزبور است.»<sup>۳</sup> همین نشریه در جای دیگر سازمان ملل و ارگان‌های وابسته به آن را به عنوان «بخشی از وزارت امور خارجه آمریکا» توصیف کرده، می‌نویسد: «با فروپاشی نظامات موسوم «به سوسیالیستی» و یکه‌تازی امپریالیسم آمریکا در صحنه جهانی، سازمان ملل متحد و واحدهای تابعه آن عملاً به عنوان بخشی از وزارت امور خارجه آمریکا عمل می‌کنند و این کشور، بسیاری از مقاصد خود را با ابزار سازمان ملل متحد به پیش

۱. هفته‌نامه صبح، شماره ۱۷، ۱۷/۵/۷۴، ص ۱۰

۲. بیانیه دفتر تحکیم وحدت، شماره ۱/۴/۷۴

۳. دو هفته‌نامه عصرما، شماره ۷، ۲۱/۱۰/۷۳، ص ۸

می‌برد.<sup>۱</sup>

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران در پیش‌نویس مواضع خود ضمن اشاره به این که سازمان ملل متحد به «ابزاری رسمی در جهت مشروعیت بخشیدن به هدف‌ها و سیاست‌های آمریکا تبدیل شده است»، بر این نکته تأکید می‌کند که «سازمان کنفرانس اسلامی، اکو و... نیز همانند سایر مجامع بین‌المللی از حضور دولت‌های وابسته و از تأثیرپذیری نسبت به اراده قدرت‌های استکباری به ویژه آمریکا مصون نیست. [بنابراین] اهدافی را که ایران اسلامی باید در اینگونه سازمانها و نهادهای بین‌المللی اسلامی پی‌گیرد، عبارتند از:

- الف - ایجاد بلوک دولت‌های مستقل مسلمان در درون سازمان‌ها و مجامع  
 ب - تلاش گسترده در جهت کاهش وابستگی امت اسلامی و کشورهای مسلمان به آمریکا و سایر قدرت‌های سلطه‌گر  
 ج - ایجاد و تقویت مواضع ضد صهیونیستی و ضد امپریالیستی در درون این سازمان‌ها و مجامع  
 د - ایجاد هسته نخستین وحدت اصولی کشورهای اسلامی.<sup>۲</sup>  
 از دیدگاه سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران، اتحاد با کشورهای مستقل و استفاده از تضاد قدرت‌های خارجی، باید دو پایه سیاست خارجی جمهوری اسلامی باشد: «در عرصه خارجی سیاست جمهوری اسلامی ایران می‌باید بر دو پایه پیوند و اتحاد کشورهای مستقل و هم‌سرنوشت و استفاده از تضاد قدرتهای سرمایه‌داری با آمریکا استوار گردد.»<sup>۳</sup>

۱. همان، شماره ۱۱، ۱۷/۱۲/۷۳، ص ۶

۲. همان، شماره ۳۵، ۲۲/۹/۷۴، ص ۶ و ۷

۳. همان، شماره ۱۳، ۳۰/۱/۷۴، ص ۷

این جناح همچنین سیاست توسعه روابط با شرق را توصیه می‌کند. عصر ما در تبیین این نظر می‌نویسد: «متأسفانه در گذشته سیاست توسعه رابطه با شرق بطور جدی مورد مطالعه قرار نگرفت و در موارد محدود نیز بی‌دلیل به موضوع گسترش روابط با غرب گره خورد.»<sup>۱</sup>

## ۲- روابط با آمریکا

این جناح هرگونه روابط با آمریکا را به شدت رد می‌کند. سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران در بیانیه‌ای در همین زمینه می‌نویسد: «این قدرت شیطانی (آمریکا) به چیزی کمتر از استحاله یا نابودی انقلاب اسلامی رضایت نمی‌دهد... دیگر جایی برای نگرشهای ساده‌لوحانه که حل مشکلات داخلی را در گرو نزدیکی با آمریکا تحلیل می‌کردند، باقی نگذارده‌اند.»<sup>۲</sup> همچنین عصر ما می‌نویسد: «آمریکا و انگلیس دشمنان اصلی اسلام و انقلاب، نابودی و یا استحاله نظام اسلامی ما را هدف قرار داده‌اند. نرمش و سازش با این قدرتها علاوه بر آنکه تغییری در مواضع آنها ایجاد نکرده و نمی‌کند، ما را در قبال تهدیدات آنها آسیب‌پذیرتر خواهد کرد.»<sup>۳</sup> این سازمان در بیانیه‌ای دیگر تأکید می‌کند: «نمی‌توان با عقب‌نشینی و تغییر در رفتار، آمریکا را با انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران بر سر لطف و مهر آورد... امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی و فوری ماست... شعار استراتژیک و راهنمای ما، نه تسلیم و نه تهاجم، بلکه دفاع فعال است.»<sup>۴</sup> همچنین «مقاومت در برابر آمریکا» را به عنوان یکی از سه هدف اصلی سیاست خارجی مورد نظر خود عنوان

۱. دو هفته‌نامه عصر ما، شماره ۱۵، ۷۴/۲/۲۵، ص ۵

۲. همان، شماره ۱۳، ۷۴/۱/۳۰، ص ۷

۳. همان، ص ۳

۴. بیانیه شماره ۷، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران، ۷۴/۱۰/۱۸

کرده است.<sup>۱</sup> تا جایی که «میزان نزدیکی و گسترش روابط با کشورهای گوناگون را براساس مواضع آنها در قبال آمریکا و انگلیس» می‌داند.<sup>۲</sup> این سازمان در تشریح مواضع خود امکان هر گونه رابطه میان ایران و آمریکا را منتفی می‌داند. چنانکه در پیش‌نویس مواضع خود آورده است: «آمریکا دشمن اصلی و استراتژیک انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است. خصلت تجاوزگری و سلطه‌جویی آمریکا از یک سو و ویژگی عدالت‌خواهی و استقلال‌طلبی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران از سوی دیگر... هر گونه تفاهم و رابطه مسالمت‌آمیز میان ما و آمریکا را منتفی ساخته است.»<sup>۳</sup>

۱. دو هفته‌نامه عصر ما، شماره ۶۶، ۷۶/۱/۲۳، ص ۹

۲. همان، شماره ۲۸، ۷۶/۸/۲۴، ص ۶

۳. همان، شماره ۳۵، ۷۶/۹/۲۲، ص ۶ و ۷

## خلاصه مواضع سیاسی جناح مجمع روحانیون مبارز و گروه‌های نزدیک به آن

- ۱- محدودیت اختیارات ولی فقیه به قانون اساسی
- ۲- انتخابی بودن ولی فقیه در عصر غیبت
- ۳- تأکید مساوی بر جمهوریت و اسلامیت نظام
- ۴- محدود نبودن ساخت سیاسی حکومت اسلامی به شکلی خاص و قابل تغییر بودن با مقتضیات زمان
- ۵- تأکید بر ضرورت فعالیت احزاب سیاسی
- ۶- اهمیت آزادی فعالیت‌های سیاسی در چهارچوب قانون اساسی
- ۷- آزادی یک حق الهی و طبیعی و نه یک امتیاز است
- ۸- همخوانی اسلام با دموکراسی
- ۹- حمایت از نهادینه شدن مشارکت سیاسی
- ۱۰- مشارکت مردم «حق» آنان است
- ۱۱- آرمان‌گرایی در مقابل عملگرایی
- ۱۲- حمایت از صدور انقلاب
- ۱۳- آرایه الگویی نمونه از ایران در جهت کمک به صدور انقلاب
- ۱۴- بدینی به سازمان‌های بین‌المللی
- ۱۵- توصیه به توسعه روابط با شرق
- ۱۶- توصیه به اتحاد با کشورهای مستقل و استفاده از تضاد قدرت‌های خارجی به عنوان دو پایه سیاست خارجی جمهوری اسلامی
- ۱۷- ردّ رابطه با آمریکا.
- ۱۸- «مقاومت در برابر آمریکا» به عنوان یکی از سه هدف اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی

## ۲-۲. دیدگاه‌های اقتصادی جناح مجمع روحانیون مبارز و گروه‌های نزدیک به آن

### ۱- خصوصی‌سازی

این جناح با خصوصی‌سازی گسترده واحدهای تولیدی مخالف است و آن را به طور محدود می‌پذیرد و شرطی برای آن قائل است. در این باره در پیش‌نویس سند مواضع اقتصادی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران آمده است:

«سازمان... اصول مالکیت خصوصی مشروط و محدود را محترم و حتی مفید می‌شمارد... مالکیت خصوصی را تا آنجا مورد احترام و حمایت می‌داند که:

- سبب حاکمیت سرمایه بر جامعه و به عبارت دیگر تمرکز و تداول ثروت و به تبع آن قدرت در دست یک قشر خاص نشود.
  - اصل عدم اضرار به غیر را نفی نکرده و عامل استثمار و مانع تحقق عدالت اجتماعی نباشد.
  - با توجه به ترجیح و تقدم منافع عمومی بر منافع آحاد جامعه هر نوع تعارض میان مالکیت عمومی و خصوصی در جهت اولی رفع گردد.»<sup>۱</sup>
- به اعتقاد این جناح شرایط جامعه ایران ایجاب می‌کند که دولت در امور اقتصادی مداخله کند. زیرا بنا به آنچه در پیش‌نویس سند مواضع سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران آمده است: «جامعه توسعه‌نیافته و عقب‌مانده ایرانی جز با وجود دولتی نیرومند، برنامه‌ریز، مداخله‌گر به عنوان موتور

محرک توسعه، راه به جایی نخواهد برد.<sup>۱</sup> ضمن این که به اعتقاد این جناح بخش‌های مادر و استراتژیک اقتصاد باید برای همیشه در مالکیت دولتی باشد. سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران در بیانیه‌ای در این مورد چنین اظهار می‌دارد:

«بخش‌های مادر و استراتژیک اقتصاد مانند صنایع سنگین، نیروگاهها، پروژه‌های بزرگ ملی، کشاورزی و... از آنجا که با امور زیربنایی و کلان کشور پیوسته است، همیشه در مالکیت دولتی باقی خواهد ماند.»<sup>۲</sup> براساس این بیانیه «سلطه بخش خصوصی و حاکمیت سرمایه‌داری و بازار بر اقتصاد کشور افزون بر اینکه ناقض روح و اصول قانون اساسی است با واقعیت‌های کشور و ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جامعه سازگار بوده، تداوم آن برای انقلاب، نظام و کشور بسیار زیان‌بار و خطرناک است.»<sup>۳</sup> این سازمان در ادامه بر محدود شدن فعالیت بخش خصوصی تأکید کرده می‌گوید: «بخش خصوصی دلال صفت باید بشدت محدود گردد.»<sup>۴</sup>

همچنین نشریه عصر ما می‌نویسد: «حل مشکلات اقتصادی کشور و مهمتر از همه گرانی و تورم با تداوم پذیرش مدل اقتصاد بازار و الگوی سرمایه‌داری میسر نخواهد بود... تنها راه مقابله با بحرانها و گرفتاریهای فعلی، تجدیدنظر اساسی و استراتژیک در برنامه‌های اقتصادی کشور است... راه حل کوتاه‌مدت، کنترل کامل و دقیق ارز حاصل از نفت، سهمیه‌بندی آن بر اساس اولویت‌های توسعه و تأمین نیازهای اساسی و ضروری کشور و بالاخره

۱. همان، شماره ۵۶، ۷۵/۸/۹، ص ۵

۲. همان، شماره ۴۲، ۷۵/۱/۲۹، ص ۲

۳. همان

۴. دو هفته‌نامه عصر ما، شماره ۶۶، ۷۶/۱/۲۳، ص ۹



تخصیص آن از طرق قابل اجرا و قابل مصرف است. سایر ارزها از جمله ارز صادراتی می‌بایست بدون اینکه مشمول سیاستهای کنترلی فوق باشد، صرف سایر فعالیت‌های اقتصادی ضروری در یک بازار عرضه و تقاضا شود. تنها محدودیت کاملاً ضروری در این مورد، جلوگیری از واردات کالاهای لوکس، غیر ضروری و حتی کمتر ضروری با ارز صادراتی و غیره است. این جلوگیری می‌بایست یا از طریق غیرمجاز کردن ورود بسیاری از اقلام یا از راه افزایش بسیار زیاد سود بازرگانی اقلام مزبور صورت گیرد و این مقررات مشمول کلیه راههای ورود کالا به کشور نیز بشود. همزمان با اتخاذ سیاستهای ارزی صحیح، نظام سهمیه‌بندی کالاهای اساسی می‌بایست با قدرت و وسعت بیش از پیش اجرا و تعاونی‌های مصرف و ... کارگری و کارمندی مجدداً احیا و تقویت شود تا گرانی در میان مدت کنترل شود. راه حل درازمدت گرانی، کاهش مصرف از طریق سهمیه‌بندی، تغییر الگوهای مصرف چند سال اخیر و توقف همیشگی سیاست دروازه‌های باز از یک سو، افزایش چشمگیر سرمایه‌گذاری در زمینه تولید کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای و ساختن زیربناهای برنامه دوم از سوی دیگر است. سیاستهای فوق در صورتی قابل اجرا و توفیق‌یافتنی است که همراه با پذیرش الگوهای اقتصاد برنامه‌ای و کنترل شده متکی بر بخش‌های قدرتمند دولتی، تعاونی و خصوصی باشد. در چنین اقتصاد مختلطی، در عین حال که دولت برنامه‌ریزی و کنترل اقتصاد و هم‌چنین اداره بخش‌های استراتژیک را طبق اصل ۴۴ قانون اساسی، عهده‌دار خواهد بود. بخش‌های خصوصی و تعاونی نیز با قدرت به فعالیت خواهند پرداخت.<sup>۱</sup>

به طور کلی جناح روحانیون مبارز... سرمایه‌داری سنتی و مدرن را رد می‌کند. منتجب‌نیا عضو مجمع روحانیون مبارز در این باره می‌گوید: «دو دیدگاه سرمایه‌داری سنتی و مدرن مغایر با نظام اقتصادی اسلام و قانون اساسی است.»<sup>۱</sup>

## ۲- توسعه

از دیدگاه جناح روحانیون مبارز، توسعه و رشد اقتصادی در مقایسه با عدالت اجتماعی از اولویت کمتری برخوردار است. عصرما در این مورد می‌نویسد: «طیف چپ ضمن اعتقاد به ضرورت رشد و توسعه اقتصادی، اولویت آنرا بالنسبه کمتر از استقلال و عدالت اجتماعی می‌داند. به عبارت دیگر توسعه اقتصادی را تنها از طریق حفظ استقلال و عدالت اجتماعی با مفاهیم موردنظر خود پذیراست... چپ مخالف نظریات و طرحهای صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی می‌باشد.»<sup>۲</sup> و در تشریح این دیدگاه ادامه می‌دهد: «اهداف عمده اقتصادی جمهوری اسلامی می‌بایست به ترتیب اولویت تحقق، استقلال اقتصادی، عدالت اجتماعی و رشد و توسعه اقتصادی باشد. استقلال اقتصادی قابل مصالحه با رشد و توسعه اقتصادی و حتی عدالت اجتماعی نیست و هر اقدامی در جهت تحقق اهداف دوم و سوم که با تحقق اهداف اول (استقلال) تعارض داشته باشد، مردود است. همچنین عدالت اجتماعی نیز مقدم بر رشد و توسعه اقتصادی است و چنانچه رشد و توسعه نافی عدالت اجتماعی باشد، مورد تأیید نخواهد بود.»<sup>۳</sup>

۱. روزنامه کار و کارگر، ۷۵/۹/۲۱

۲. دو هفته‌نامه عصرما، شماره ۱۲، ۱۶/۱/۷۴، ص ۲

۳. همان

این جناح بر توسعه اقتصادی متکی به درون اعتقاد دارد. نشریه عصر ما در تبیین این نظر می‌نویسد: «پای فشردن بر استقلال اقتصادی مستلزم نفی راه‌حل‌ها و الگوهای سرمایه‌داری و نفی ادغام در بازار جهانی است. خط‌مشی تکیه بر درون در همه زمینه‌ها از ضرورت‌هایی است که سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران بر آن تأکید می‌ورزد.»<sup>۱</sup>

### ۳- عدالت اجتماعی

جناح مذکور عدالت اجتماعی را از طریق نظام سهمیه‌بندی امکان‌پذیر می‌داند. نشریه عصر ما در این باره چنین می‌نویسد: «برای رعایت عدالت اجتماعی و حمایت جدی از اقشار آسیب‌پذیر، باید نظام سهمیه‌بندی کالایی را برای کارکنان دولت، کارگران و اقشار آسیب‌پذیر جامعه احیاء کرد.»<sup>۲</sup>

و در تبیین دیدگاه جناح چپ درباره عدالت اجتماعی می‌نویسد: «منظور جناح خط امام از عدالت اجتماعی تغییر ساختار اقتصادی، اجتماعی کشور در جهت منافع محرومین و نهادینه کردن این خط‌مشی است و برای تحقق آن راه‌هایی را پیشنهاد می‌کند که برخی از آنها عبارتند از:

۱- گسترش مالکیت از طریق توسعه شرکت‌های سهامی عام که موجب می‌شود تا مشارکت عامه مردم در امر سرمایه‌گذاری و تولید فراهم گشته، ضمناً از تمرکز سهام واحدهای تولیدی و خدماتی در دست عده‌ای معدود جلوگیری شود.

۲- تقویت و توسعه تعاونی‌ها: لازمه این کار حمایت جدی دولت از تعاونی‌ها و تقویت بنیه مالی و نیز تجهیز و هدایت و آموزش آنهاست.

۱. همان، شماره ۳۷، ۹/۱۲/۷۴، ص ۵

۲. همان، شماره ۳۰، ۲۲/۹/۷۴، ص ۵

- ۳- تغییر قانون مالیات‌ها به منظور وصول مالیات بیشتر از ثروتمندان...  
متقابلاً تعدیل میزان مالیات طبقات محروم و کم درآمد.
- ۴- سمت دادن اعتبارات مربوط به بخش خصوصی در سیستم بانکی کشور،  
در جهت تقویت و توسعه بخش خصوصی مولد.
- ۵- ادامه پرداخت یارانه به مصرف‌کننده.
- ۶- تعمیم تأمین اجتماعی.
- ۷- توسعه بیمه بیکاری.<sup>۱</sup>

در پیش‌نویس سند مواضع اقتصادی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران در تأیید همین مطلب آمده است: «به فرض بروز هر نوع تعارضی بین اهداف عدالت اجتماعی و رشد و توسعه اقتصادی در جامعه، حفظ عدالت اجتماعی از اولویت برخوردار خواهد بود.»<sup>۲</sup> مهدی کروبی نیز در همین زمینه می‌گوید: «در کنار سازندگی اولویت با... عدالت اجتماعی، حمایت از فقرا، جنگ فقیر و غنی و طرفداری از محرومین... است.»<sup>۳</sup>

به اعتقاد جناح چپ عدالت اجتماعی پس از استقلال مهم‌ترین هدف اقتصادی نظام اسلامی است. بنا به نوشته نشریه عصرما: «جریان فکری چپ بسط و توسعه عدالت اجتماعی را پس از استقلال، مهم‌ترین هدف اقتصادی نظام اسلامی می‌داند و تحقق آنرا تنها در سایه از بین رفتن شکافهای طبقاتی عدم تمرکز و تداول ثروت و قدرت در دست یک قشر خاص، تأمین حداقل نیازهای معیشتی آحاد جامعه، برقراری فرصت‌های یکسان و حداقل امکانات

۱. دو هفته‌نامه عصرما، شماره ۶۲، ۷۵/۱۱/۳، ص ۵

۲. همان، شماره ۶۵، ۷۵/۱۲/۱۶، ص ۹

۳. همان، شماره ۶۶، ۷۶/۱/۲۳، ص ۳

برای کلیه شهروندان و به طور خلاصه تحقق کامل اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی می‌پندارد... به منظور تحقق عدالت اجتماعی... دولت نباید تنها نقش ناظری را که با وضع قوانین و مقررات به اقتصاد جهت می‌دهد، برعهده گیرد، بلکه می‌بایست به طور مداوم در فرآیندهای جاری اقتصادی نیز مداخله و نقش سیاست‌گذاریهی تفصیلی را ایفا کند و از سازوکار برنامه‌ریزی متمرکز و کنترل مستقیم و تخصیص منابع بهره‌مند شود.<sup>۱</sup>

مهدی کروبی نیز در مصاحبه‌ای در این مورد می‌گوید: «رکن اندیشه امام (ره) در عرصه مسائل اقتصادی مقابله با نفوذ سرمایه‌داری لجام‌گسیخته در تار و پود اقتصاد کشور با تکیه بر دیدگاه جنگ مستمر و بی‌امان فقر و غنا و حمایت از مستضعفین و پابرهنگان است.»<sup>۲</sup>

دفتر تحکیم وحدت نیز همین نظر را در بیانیه‌ای چنین اعلام داشت: «جهت‌گیریهای اقتصادی کشور می‌باید در جهت حمایت و رفاه اقشار مستضعف جامعه... سوق پیدا نماید.»<sup>۳</sup>

#### ۴- الگوی اقتصادی

الگوی اقتصادی مورد نظر این جناح سیاست خوداتکایی است. در پیش‌نویس سند مواضع اقتصادی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران در این باره چنین آمده است:

«خوداتکایی به معنای تأمین کلیه نیازهای متنوع یک کشور از داخل نیست، بلکه منظور فراهم آوردن توان و امکان ایجاد ترکیبی مطلوب از

۱. همان، شماره ۱۲، ۱۶/۱/۷۴، ص ۲

۲. روزنامه کیهان، ۷۵/۱۱/۲

۳. دو هفته‌نامه عصرما، شماره ۵۰، ۱۷/۵/۷۵، ص ۷

سرمایه، نیروی انسانی، مواد اولیه و تکنولوژی در شرایط گوناگون اقتصادی و سیاسی برای جامعه است.<sup>۱</sup> این سازمان با تأکید بر اولویت دستیابی به خوداتکایی کشاورزی می‌گوید: «دستیابی به خوداتکایی کشاورزی و غذایی باید در هر برنامه توسعه‌ای به طور جدی و واقعی مورد توجه قرار گرفته و با اولویت بخشیدن به تأمین نیازهای غذایی در مدت کوتاه پنج تا ده سال به این مهم دست یابیم. اما در درازمدت و به منظور توسعه اقتصادی بویژه در وضعیت پس از اتمام منابع و درآمدهای نفتی، الگوی توسعه صنعتی باید مطمح نظر قرار گیرد و آنچه در این مسیر از اولویت برخوردار است، تکیه بر نیروی انسانی متخصص و مدیریت کارآمد داخلی، دانش تکنولوژیک درون‌زا، سرمایه‌گذاری در صنایع زیربنایی و واسطه‌ای است.»<sup>۲</sup> این سازمان همچنین طی بیانیه دیگری، نفی وابستگی به اقتصادهای مسلط خارجی را از جمله هدف‌های اقتصادی مورد نظر خود بیان کرد.<sup>۳</sup>

از دیدگاه این جناح اقتصاد مختلط وضعیت مطلوب به نظر می‌رسد. عصر ما در تشریح دیدگاه‌های این جناح می‌نویسد: «طیف چپ الگوی مشخصی برای جامعه ایده‌آل خود نمی‌شناسد، اما سیستم‌هایی با اقتصاد مختلط و اشکالی از سوسیال دموکراسی می‌توانند از نظر این طیف مورد امعان نظر قرار گیرند. شاید نزدیکترین الگوها به تفکر اقتصادی و سیاسی طیف چپ جوامعی نظیر سوئد، چین و هند و به عبارت بهتر تلفیقی از سه الگوی مزبور باشد. از نظر این طیف سوئد و هند از نظر اقتصادی الگوهای نسبتاً قابل قبولی هستند، اقتصاد آنها مختلط و تلفیقی از بخش‌های دولتی،

۱. همان، شماره ۶۵، ۱۶/۱۲/۷۵، ص ۸

۲. همان، شماره ۴۲، ۱/۲۹/۷۵، ص ۲

۳. همان، شماره ۶۶، ۱/۲۳/۷۶، ص ۲